

## بیش‌خط (۱۶)

### از «در شعر» ازیت «دارد»

شاعران و معلم‌های ادبیات، همواره با کسانی سروکار دارند که سودای شاعری در سر دارند و نوشته‌ها و سروده‌هایشان را برای اظهار نظر عرضه می‌کنند. گاهی هم از آن‌ها می‌خواهند که کتاب و مقاله مناسب برای مطالعه معرفی کنند. اما در برخی کتاب‌ها و نوشته‌ها، شعر با جملاتی از این دست معرفی شده است:

– شعر باید شعریت داشته باشد.

– هر کلمه در شعر، هویت خود را دارد. «سنگ»، در شعر سنگیت دارد. «ز»، در

شعر، ازیت دارد.

– شعر، صاعقه ناگهانی ناخودآگاه است که بر خودآگاه پرتو می‌افکند.

– شعر، جوشش درونی است که با کوشش فرمالیستی شکل می‌گیرد.

\*\*\*

حالا شاعر تازه‌کار با خواندن جملاتی از این دست، از کجا بداند که آنچه نوشته است شعریت دارد یا ندارد؟

از کجا بداند که هر کلمه شعر او هویت دارد یا ندارد؟

حتی شاعر حرفه‌ای و با تجربه از کجا بداند که وقتی شعر می‌گوید، صاعقه

ناگهانی و جوشش درونی دارد یا ندارد؟

بی‌تعارف باید گفت که جملات توصیفی و شاعرانه و بعضاً سفسطه‌آمیز، برای شناخت شعر اصلاً گره‌گشا نیست.

برای انتقال تجربه‌های شعر سرودن و کمک به علاقه‌مندان شعر، روش مؤثر این است که در هر مرحله، چشم‌انداز مرحله بعد را به او نشان بدهیم.

برای کسی که هنوز تفاوت ردیف و قافیه را نمی‌داند، سخن گفتن از فنون بلاغی زود و بی‌ثمر است.

کسی که شعرش اشکال وزنی دارد، با خواندن کتاب‌های عروضی، شعر موزون

## شانت (۷)

پس از معرفی شش مؤلفه شعر ماندگار، یعنی شعریت، شک‌اندازی، ارتباط، انتقاد، نو بودن و نمکین بودن، به هفتمین ویژگی شعر، که می‌تواند در ماندگاری آن مؤثر باشد، به اجمال پرداخته می‌شود و آن تعالی‌بخشی است.

تعالی‌بخشی یکی از اصلی‌ترین رکن‌های یک اثر ماندگار در هر قالب، از جمله در شعر، است. اگر به بیان دیگر بخواهیم به آن اشاره کنیم همان پیام و مفهوم و معنا و در مجموع اخلاق انسانی و معنوی است. این نگاه مسلماً ریشه در معنامداری و پیام‌داری یک اثر دارد که اصلی‌ترین مکتب ادبی آن کلاسیسیسم محسوب می‌شود.

تعالی‌بخشی یک شعر ریشه در باورها و اعتقادات یک شاعر دارد خواه متأثر از حس انسانی و نועدوستی او باشد و خواه متأثر از باور و اعتقاد دینی و مذهبی او، هر کدام که باشد با پیشینه ذهنی خود و با هدف پیش‌برندگی مخاطب به سرودن شعر روی می‌آورد.

مکاتبی چون فرمالیسم، اومانیسیم، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم تا حدودی مقابل این نگاه واقع می‌شوند چون بر خلاف نظر کلاسیک‌ها که پوسته و شکل عارض بر درون و محتواست. از نظر این‌ها پیام و محتوای عارض بر شکل و محتوای باورمدار و ایدئولوژیک یک شاعر است.

یقیناً یک شاعر متعالی، یا متمایل به تعالی، در اثر خود سعی بر آن دارد که به نوعی پند و تذکر و حکایات و امثال مثبت و اخلاق‌مدار را زینت و هدف کلام خود قرار دهد تا خواننده یا شنونده به او تاسی کند و از راه و مسیر ناپسند و منحط دور شود و به پسندیده‌ها و مقصد تأیید شده، که به کمال و تعالی او ختم می‌شود، روی بیاورد و به نوعی شعر را در جایگاه دستگیر و راهنما و آموزگار زندگی خود ببیند تا او را از بیراهه‌ها و کژی‌ها نجات بدهد.

معمولاً مخاطبان اشعار تعالی‌بخش افراد عاقل‌تر و بالغ‌تر هستند و از مرحله احساسی‌گری و واکنش‌های عاطفی رقیق عبور کرده‌اند به همین جهت مطالعه بوستان و گلستان سعدی و مثنوی مولانا و حافظ و ... اغلب مربوط به افرادی می‌شود که پس از عبور از مرحله ناپختگی به سمت پختگی و تکامل در حال حرکت هستند.

اگر به برخی آثار ماندگار و پر مخاطب در طول تاریخ زبان فارسی دقت کنیم خواهیم دید که این عنصر، یعنی تعالی‌بخشی، و به عبارتی اخلاق‌مداری و نگاه انسانی در آن‌ها قوی است.

علی آبان

## بهاریه‌ها

چگونه رد شده است

از در آهنی،

از دوربین‌های مداربسته،

از دیوارهای بلند سیمانی،

چگونه خودش را

به باغچه کوچک زندان

رسانده است؟

بهار!

در آپارتمان ما،

بهار،

با سبزه‌های کوچک چندروزه،

به خانه می‌آید.

و چند روز بعد

با سطل‌های زیاله

از خانه می‌رود.

چه دردآور است

بهار بیاید و

در هزار توی زندگی موریانه‌ها

اسیر شود!

درست شبیه پروانه‌ای

که گرفتار آمده باشد،

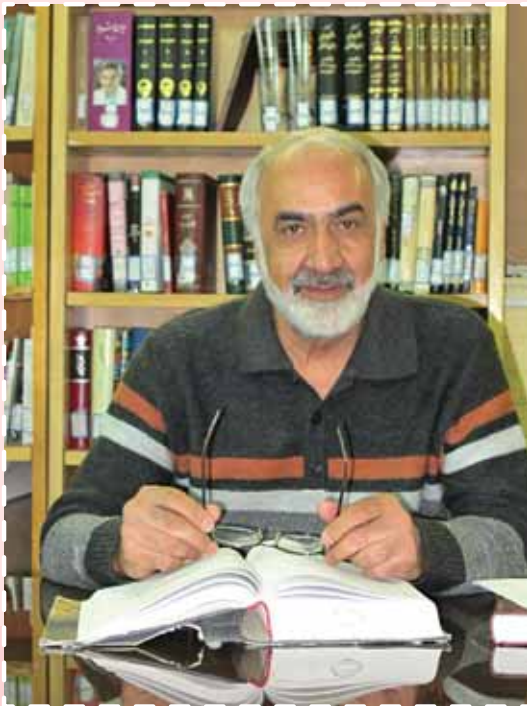
در فکر عنکبوتی.

بر کنبه‌های دودزده

کنار اجاق

جوانه‌ای کوچک.

مهدی مظفری ساوجی



نمی‌سراید. باید روش رفع اشکال وزنی را به او بیاموزیم. کسی که شعرش بیان ذهنیات تکراری است، نیازی به آموختن سبک‌شناسی و مکاتب ادبی ندارد، طبعاً باید به او بیاموزیم که شعر، بیان ذهنیات و درد دل و آه کشیدن‌های احساساتی نیست.

برای کسی که به زبان و بیان و موسیقی شعر مسلط است، اما شعرش آشفته و نابسامان است، سخن گفتن از شیوه‌های نقد ادبی بی‌فایده است. او باید بیاموزد که نظام هنری و زبانی شعر چیزی بیشتر از وزن و قافیه و سطر بندی است.

اسماعیل امینی

### معلمان شاعر

سید سعید عندلیب در بیستم تیرماه ۱۳۳۴ خورشیدی در بیرجند متولد شد. وی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است و در مدارس و دانشگاه‌های استان خراسان جنوبی تدریس کرده است. عندلیب از اولین کسانی است که در نشریه «دیدگاه» قلم زده است.

چند نمونه از آثار او:

۱. کاوشی در «بومی سروده»های رسمی خراسان جنوبی
  ۲. منظومه‌ای بر فرهنگ عامه مردم خراسان جنوبی
  ۳. نغمه‌های آشنا (مجموعه چند دفتر از بومی سروده‌های بیرجندی)
  ۴. نغمه‌های عندلیب (مجموعه شعرهای کلاسیک)
  ۵. گرد حصار شهر ... (مجموعه شعرهای آزاد)
  ۶. چارانه‌های ناچار (مجموعه رباعیات)
  ۷. ابونصر مشکان در تاریخ بیهقی
  ۸. سیمای آفریدگار هستی در حماسه ماندگار پارسی
- شعری از سعید عندلیب می‌خوانیم:

### غزال بی‌مه‌ری

روزها مثل ابر می‌گذرند  
پیش از آنی که طی شوم برگرد  
زخم بر سینه بیش از این مگذار  
نیست این، رسم دوستی، نامرد!

شعله‌های خیال می‌رقصد  
دور شومینه دل تنگم  
تو خیالت چه قدر پررنگ است  
برخلاف منی که بی‌رنگم

عشق و دریا و آسمان را من  
می‌کنم در نگاه تو تفسیر  
هیچ دریا و آسمان در من  
مثل چشمت نمی‌کند تأثیر

یادگاری نوشته‌ام ای عشق!  
روی دیوار بی‌وفایی تو  
کاش قسمت نمی‌شدم هرگز  
قفس تنگ آشنایی تو

یک سبد سیب، میوه ممنوع،  
دو انار از بهشت پیرهن  
خوشه‌ای گندم گناه‌آلود  
ساغری بوسه از لب و دهند

می‌کنم روز قبل آماده  
سبد سور و سات عشقم را  
تا مبادا که جای بگذارم  
بسته خاطرات عشقم را

چشم‌هایت شبیه اقیانوس  
گیسوان تو جنگلی انبوه  
لب تو مستی غزل دارد  
گونه‌هایت تغزلی بشکوه

من به یک دار خشک دل بستم  
که مرا نغمه در گلو خشکاند  
و به طوفان برگ‌ریزانی  
که مرا مثل برگ می‌رقصاند

نذر من کن غزال بی‌مه‌ری  
به امیدی که عشق برگردد  
به امیدی که باعنایت عشق  
التفات تو بیشتر گردد

با خودم دوره می‌کنم هر شب  
سَبَقِ روزهای آبی را  
چشم‌های گلاب‌افشان را  
دست‌های پر از گلابی را

با شب گیسوان یلدایی  
ماه همسایه است مهتابم!  
یاد تو میهمان هر شب من  
تا سپیده مگر که می‌خوابم!؟

عندلیب بهار بودم من  
برگریز غم تو لالم کرد  
از نگاه تو پرسشی کردم  
چشم تو نادم از سؤالم کرد